

عجهر العاشقین
شیخ روزبهان بقلی شیرازی

تلخیص: مهدی ساسانپوری



سرشناسه	روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، ۵۲۲؟ - ۶۰۶ ق.
عنوان قراردادی	عبهر العاشقین، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	عرفان نامه عبهر العاشقین / شیخ روزبهان بقلی شیرازی
مشخصات نشر	تلخیص مهدیه نورانی، تهران: انتشارات حوا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۸۳ ص:، ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	۶-۶۹-۶۷۷۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: قیفا	
موضوع	نثر فارسی - قرن ۶ ق.
موضوع	عشق (عرفان)
موضوع	عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
شماره اندیشه	نورانی، مهدیه، ۱۳۶۰ - گردآورنده
ده بندی مکرره	۱۳۹۴ ۹ع۲ PIR۴۲۶۸/
رشته بندی	۸۸/۸۲۳
شماره کتابخانه ملی	۴۱۷۵۰۰۴



انتشارات حوا

عبهر العاشقین

نویسنده: شیخ روزبهان بقلی شیرازی

تلخیص: مهدیه سیر نورانی

مدیر هنری: عطیه سادات بخارایی

صفحه آرا و طراح جلد: لیلر بلون

ناظر چاپ: خشایار فرج نژاد

چاپ اول: بهار ۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۶-۶۹-۶۷۷۷-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: خیابان سهروردی، بالاتر از مطهری، پلاک ۲۶۲، طبقه سوم

تلفکس: ۸۸۵۰۵۰۳۷

نظرات خود را درباره این کتاب و سایر کتاب‌ها با پیامک به شماره

۲۰۰۰۹۵۹۲ برای ما ارسال کنید.

www.havvapub.com

havvapub@yahoo.com

قیمت: ۸۸۰۰ تومان

فهرست:

فصل اول ۱۱

فصل دوم ۲۳

فصل سوم ۲۶

فصل چهارم ۳۷

فصل پنجم ۴۱

فصل ششم ۶۱

فصل هفتم ۷۱

فصل هشتم ۷۹

مقدمه:

گفتم ای جان مرا نکویی تو ز کجایی، مرا نکویی تو؟
گفت: من دست کرد لاهوتم قاید و بنمای ناسوتم
اول خلق در جهان ماییم ز همه خلق بهره بنماییم
نظر حق به ماست از همه خلق خلقت ما جداست از همه خلق

روزبهان

باقلا می فروخت؛

کودکی اش میان جماعتی جاهل بود. در سن سه، هفت و پانزده سالگی سه بار در قلبش جذبه الاهی خطور کرد و سبب شد که همه چیز را دوست بدارد و همه چیز در نظرش نیک جلوه کند.

دکان را رها کرد، شش سال ونیم در بیابان ها گذرانید، بعد از آن آرام گرفت و حافظ قرآن شد.

دورانی که امیران سلغر بدون پشتوانهٔ این خردمندان، نامشان هیچ‌گاه بر زبان نمی‌آمد. کتاب «منطق» اش را در دوران همین امیر سلغری به نام تکه بن زنگه نوشت و در آن کتاب برای جلوس این مرد دعا کرد.

ترجمهٔ فارسی این کتاب را نیز با نام «شرح شطریات» بعدها بعد از مرگ این امیر نوشت.

در سال نخستین مرشد خود «شیخ جمال الدین بن خلیل فسایی» را ملاقات کرد و در اولین رباط - رباط شیخ ابو محمد الجوزک - اقامت گزید.

سفرهایی مانند از بم داد: به کرمان، حجاز، مکه، شام و عراق.

مؤلف فارسنامهٔ ناصری می‌گوید: «مدتی در مکه معظمه مجاورت نمود و غالباً طواف را بر بام کعبه می‌مود»

تحفة العرفان گوید:

«از جمله لطف‌ها که باری تعالی در حق من داشته، یکی آن بود که وی چهره‌ای بغایت خوب داشت چنان‌که هر که در روی من نگریست راحتی و شادی بر دلش می‌رسید و آن عکس پرتو اندرون مبارکش بود که ظاهر می‌شد.»

در اواخر عمرش به نوعی فالج (بیماری فلج) مبتلا شد اما تغییری در وی ایجاد نشد و شوق او به کار افزون گشت.

روزی بهان درباب بیماریش گفته‌است: آن بندی است از بندگی عیش بر پای وی نهاده، تا آن‌گاه که به سعادت دیدار وی برسد.

وفات وی سال ۶۰۶ ه.ق است و مؤلف فارسنامهٔ ناصری می‌گوید: مقبره اش در جنب رباط خود در قبرستان محلهٔ باغ نو شیراز است؛ اکنون بقعه و خانقاه و رباط وی نزدیک به انهدام است و عوام الناس حسن عقیده‌ای به وی ندارند و پنهانی سنگ و آجر عمارتش را می‌برند.

خداوند توفیق دهد به کسانی که به تعمیر و مرمت این بنا همت می‌گذارند.

این کوچک سعی نمودم در این کتاب گزیده‌ای از چند فصل «عبرالعاشقین» را بیاورم و متن کتاب را به شیوه‌ای تقطیع‌گون و سید بنویسم؛ واژگان دشوار آن در پانویشت معنا شده‌است تا خواننده از خوانش و مطالعه این کتاب ارجمند لذتی افزون برد. نشر کتاب ساده و مسجع (آهنگین) است و پراست از تشبیهات و بیان حالات عرفانی.

باید گفت گاهی توصیفات مراحل عشق که همراه با ذکر پلکان سلوک است، بسیا دقیق و مشکافانه بیان شده و خواننده را به دقت و ظرافت در تمییز و تشخیص سوق می‌دهد؛

این متن آهنگین و بسیار عمیق به گونه‌ای است که در ابتدا آسان می‌نماید اما در خواندن آن دقایق ریز، سانه باید کرد.

امید است از این گزیده فایده‌ای بسیار بریم.

اندیشه تان افزون باد.